پرده‌خانه

## استعفایی ناشی از خستگی یا انتقاد

فرزانه ابراهیم‌زاده

• اینکه ایرج راد اعلام کرده است بعد از ۱۵ سال قرار نیست دیگر مدیرعامل خانه تئاتر باشد، برخلاف نظر بسیاری از همکاران مطبوعاتی، همان‌طورکه خودش بعد توضیح داده، به معنای استعفا نیست. به هر حال دوران دوساله هیأت‌مدیره خانه تئاتر به پایان رسیده و هنوز هیأت‌مدیره جدید معرفی نشده است تا بخواهند درباره مدیرعامل بعدی خانه تئاتر تصمیم بگیرند و این یعنی او قصد ندارد برای دوره بعدی خانه تئاتر مدیرعامل بماند و به همان نایب‌رئیسی که به اندازه دوران مدیرعاملی‌اش هست، بسنده می‌کند تا به جای آنکه تمام‌وقت در خدمت کارهای صنفی باشد، کمی هم به فعالیت‌های هنری‌اش بپردازد. تصمیمی که به نظر می‌رسد انتقادهایی که در چند سال گذشته به هیأت‌مدیره خانه تئاتر و شخص ایرج راد وارد می‌شد، در آن بی‌تأثیر نبوده است. در چند سال گذشته به هیأت‌مدیره خانه تئاتر انتقادهای زیادی وارد شد. به طوری که اعضای متفاوت هیأت‌مدیره قبلی «کارگروه بهسازی خانه تئاتر» را با حضور چهره‌های منتقدی چون علی‌رضا نادری، اصغر دشتی و حمید پورآذری تشکیل دادند. کارگروهی که درنهایت نتیجه‌ای از اعتراض‌هایش نگرفت و کار را رها کرد. براساس اساسنامه خانه تئاتر، امور اجرائی این نهاد صنفی توسط هیأت‌مدیره هفت‌نفره‌ای اداره می‌شود که به مدت دو سال برگزیده می‌شوند. این اتفاق ۲۸ اردیبهشت ۹۵ رخ داد و با چند تغییر کوچک مانند انتخاب حمیدرضا نعیمی، مریم کاظمی و اصغر همت به‌عنوان اعضای اصلی به‌اضافه اعضای اصلی چند سال گذشته؛ عزت‌الله انتظامی، ایرج راد، بهزاد فراهانی و کاظم هژیرآزاد، قرار است برای دو سال آینده نهاد صنفی تئاتری‌ها را اداره کنند. به موجب ماده ۲۳ اساسنامه هیأت‌مدیره در اولین جلسه از بین خود یک رئیس و یک نایب‌رئیس برخواهد گزید و می‌تواند در صورت لزوم برای سایر اعضا، سمت‌های دیگری مقرر کند. همچنین از بین خود یا سایر اعضا یا از غیرعضو، یک نفر را به سمت مدیرعامل انتخاب و حدود وظایف و اختیارات و در صورت اقتضا دستمزد وی را تعیین خواهد کرد. مدیرعامل مجری مصوبات هیأت‌مدیره و در برابر آنان مسئول است. رئیس هیأت‌مدیره در صورت تصویب مجمع عمومی درعین‌حال می‌تواند مدیرعامل مؤسسه باشد. یعنی هیأت‌مدیره باید فردی را از میان همین اعضای هیأت‌مدیره یا خارج از آنجا به‌عنوان مدیرعامل نهاد خانه تئاتر منصوب کند. نهادی که البته به‌عنوان صنف یا سندیکای هنرهای نمایشی و با وجود مشکلات حقوقی و ثبتی که دارد، در چند سال گذشته تلاش کرده از حاشیه‌های مرسوم سیاسی اجتماعی دور بماند. تلاشی که البته تا حدی هم موفق بوده و این خانه سعی کرده است کمتر به صورت علنی در موضوعات غیر از تئاتر وارد شود. اما این حرکت در حاشیه، خیلی هم بدون انتقاد نبوده است. درست است که خانه تئاتری‌ها به اندازه هیأت‌مدیره خانه موسیقی با حاشیه‌های مالی روبه‌رو نبودند اما تغییرنکردن چهره‌های اصلی آن یکی از انتقادهای مهمی بود که به خانه تئاتر می‌شد. هرچند بنا بر ماده بیست یک اساسنامه خانه تئاتر، هیچ منعی برای انتخاب چندباره اعضای هیأت‌مدیره نیست و اعضای هیأت‌مدیره به جز مدیرعامل هیچ‌کدام ریالی برای حضور در آن نمی‌گیرند و زمان خود را صرف تسهیلاتی برای اعضای صنف می‌کنند؛ اما اینکه افرادی برای سال‌های متمادی در رأس یک نهاد صنفی باشند، اساس دموکراسی در آن نهاد را دچار اختلال می‌کند. این مهم‌ترین انتقادی بود که در این سال‌ها به نهادهای صنفی هنری به‌خصوص خانه تئاتر وارد است. از سوی دیگر این حضور طولانی‌مدت در هیأت‌مدیره باعث می‌شود افراد به مرور زمان محافظه‌کارتر شوند و برای اظهارنظرها بیشتر تأمل می‌کنند. انتقادی که البته به هیأت‌مدیره قبلی و فعلی خانه تئاتر وارد است. هیچ‌کسی منکر کارهای خوبی که در این سال‌ها هیأت‌مدیره خانه تئاتر و به‌خصوص شخص مدیرعامل برای حل مشکل بیمه و ساخت مکانی دائم برای خانه تئاتر در خیابان سمیه کرد، نیست. اما واردنشدن یا دیر واردشدن به موضوع اجراها و نرسیدن ماجرای قرارداد تیپ به سرانجام و موضع‌نگرفتن نسبت به اتفاقات مهم در تئاتر یا برخی از هنرمندان جزء مشکلاتی است که به نظر می‌رسد با تغییر مهم مدیرعامل در خانه تئاتر می‌توان به انتظار حل آن نشست.

نگاه دوباره به خالق «طبیعت بی‌جان»

# شهیدثالث همچنان «در غربت»

فرانک آرتا

**این روزها از گوشه‌وکنار نام «سهراب شهیدثالث» زیاد شنیده و خوانده می‌شود. نمایش فیلم «یک اتفاق ساده» در گروه «هنر و تجربه»، برپایی بزرگداشت سهراب شهیدثالث در «سیزدهمین دوره جشنواره فیلم کوتاه دانشجویی نهال» و همین‌طور برپایی یادبودهایی از این فیلم‌ساز در سینماتک‌های مختلف، حاکی از اهمیت این فیلم‌ساز گزیده‌کار است. فیلم‌سازی که با دو فیلم «یک اتفاق ساده» و «طبیعت بی‌جان» در اوایل دهه ۵۰ نقش بسزایی در شکل‌گیری سینمای مستقل ایران داشت. بعد از آن هم به آلمان مهاجرت کرد و فیلم‌های زیادی ساخت. به‌طوری‌که اگر امروز از شهروندی آلمانی سؤالی درباره ملیت این فیلم‌ساز در غربت بپرسید، حتما از او به‌عنوان «یک آلمانی» یاد می‌کند. با این‌همه این پرسش مطرح می‌شود که چرا تاکنون در سینمای ایران تالیان این فیلم‌ساز مهم‌تر شده‌اند و با او در گذر زمان همچون «غریبه» رفتار شد؟ برخی علتش را گرایش‌های فکری او می‌دانستند و دیگران هم کم‌رویی و گزیده‌گویی‌اش را و بعضی هم انقطاع تاریخی در برهه‌ای از زمان و... ولی هرچه باشد، اینکه دوباره توانسته سر از زیر لحاف تاریخ بیرون آورد و همچون منبعی، الهام‌بخش فیلم‌سازان بزرگی همچون کیارستمی بوده، ضرورت توجه دقیق به او بیشتر رخ می‌نماید. در ادامه ابراهیم فروزش و خسرو دهقان از دیدگاه خاص خود به شهیدثالث پرداخته‌اند.**

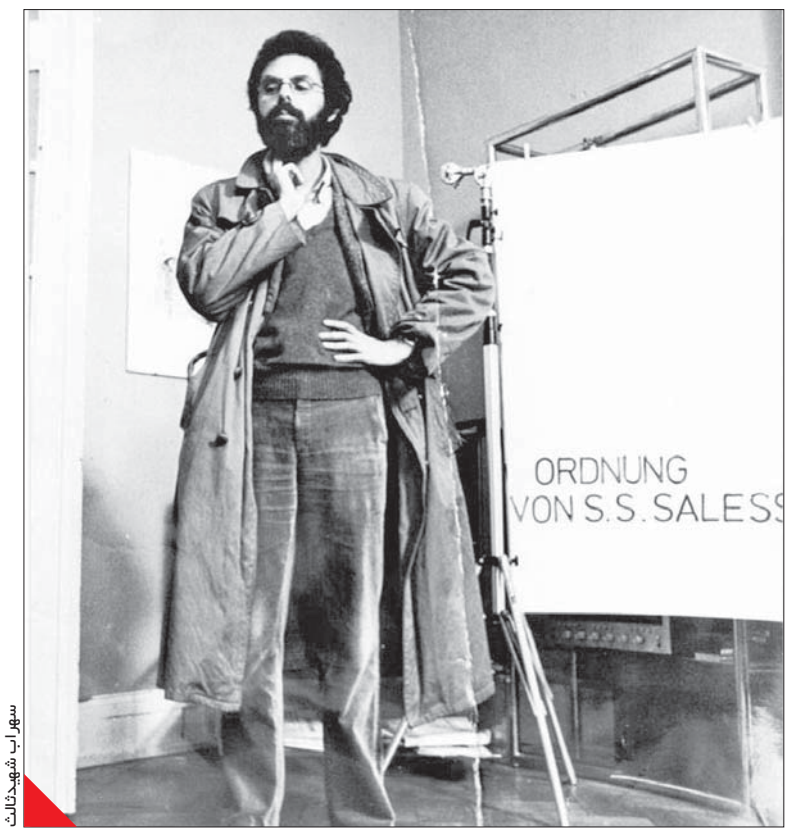

سهراب شهیدثالث

خسرو دهقان:

### فیلم‌های «نادری» ربطی به «شهیدثالث» ندارد

خسرو دهقان، منتقد سینما، درباره دلیل توجه دوباره به سهراب شهیدثالث و سینمای او در محافل هنری و دانشگاهی - جدا از بحث بازخوانی تاریخ سینمای ایران - به «شرق» گفت: «در این سال‌ها شاهد هستیم که جدا از ساخت فیلم‌های رایج در جریان اصلی سینمای ایران، توجهات به فیلم‌هایی از نوع «سینمای دیگر» زیاد شده است. بنابراین در این مسیر پیداکردن و تحلیل ریشه‌ها و سرچشمه‌های این نوع سینما در کلیت تاریخ سینمای ایران ضروری به نظر می‌رسد. در حقیقت می‌توان گفت سهراب شهیدثالث و سینمایش همان سرچشمه و ریشه چنین سینمایی است که تحلیل آثار و تأثیرات سینمای وی بر جریان سینما مهم تلقی می‌شود». شهیدثالث سینماگری بود که در دهه ۵۰ بروز و ظهور پیدا کرد، درحالی‌که در دهه ۴۰ ابراهیم گلستان با فیلمی مثل «خشت و آیینه»، مهرجویی با «گاو» و کیمیایی با «قیصر» طرح نویی در سینمای ایران در افکنده بودند. حال با چنین نگاهی شاید سؤال مطرح شود که چگونه می‌توان شهیدثالث را البته بنا بر گفته «امیر نادری»، پدر سینمای مدرن دانست؟ آیا این نکته با نقش‌آفرینی فیلم‌سازان دهه ۴۰ در تعارض نیست؟ پاسخ جالب توجه دهقان چنین است: «کار درخور ابراهیم گلستان و دیگران در حد جرقه‌های قابل‌اعتنا بود. اما در دهه ۵۰ سهراب شهیدثالث جریانی به وجود آورد که تا امروز تأثیراتش را بر «سینمای دیگر» شاهد هستیم». امیر نادری، کارگردان سینما، به‌تازگی در آیین افتتاحیه «سیزدهمین دوره جشنواره فیلم کوتاه دانشجویی نهال» در پیامی صوتی درباره اهمیت سینمای شهیدثالث و ضرورت دیدن فیلم‌های او گفته است: «سهراب پدر واقعی سینمای مدرن ایران است. بر این باورم که دیدن فیلم‌های او در روزهای برگزاری این جشنواره، چندین فیلم‌ساز خوب را از میان شما بیدار خواهد کرد و این ذات هنر متعالی است. ما به اورجینال‌بودن حرف شما به‌عنوان فیلم‌ساز نیاز داریم و سهراب سرمشق اورجینال‌بودن است». همچنین دهقان درباره سینمای «امیر نادری» چنین گفت: «فیلم‌های امیر نادری در دهه ۵۰ ربطی با نوع نگاه شهیدثالث ندارد. اما تأثیرات شهیدثالث را در فیلم‌هایی که امیر نادری بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ساخت، شاهد هستیم. به‌طوری که فیلم‌های نادری قبل و بعد از انقلاب به هم ربطی ندارند».

ابراهیم فروزش:

### جریان‌ساز نبود، اما تأثیر گذاشت

**بهناز شیربانی:** ابراهیم فروزش، فیلم‌ساز باسابقه سینمای ایران، از زاویه دیگری به جایگاه شهیدثالث پرداخت. این فیلم‌ساز در پاسخ به این پرسش که آیا سینمای امروز ایران مدیون نگاه سهراب شهیدثالث است یا نه، جواب داد: «زمانی که شهیدثالث در وزارت فرهنگ و هنر وقت فعالیت می‌کرد، من مسئول سینمایی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بودم و با او مراوده بیشتری داشتم. معتقدم سهراب شهیدثالث یکی از استعدادهای درخشان سینمای ما بود. هرچند شهیدثالث نسبت به برخی مسائل در آن زمان گله‌مندی‌هایی داشت. همان زمان از سهراب شهیدثالث دعوت کردیم در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان فیلمی بسازد. شرایط ما نیز به‌گونه‌ای بود که در ابتدا ساخت فیلم کوتاه را تجربه می‌کردیم». او در ادامه بیان کرد: «نخستین تجربه او در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ساخت فیلم سیاه و سفید بود؛ تک‌فریمی از روایت یک مرد و پسرش. بعد از آن فیلم‌نامه دیگری به نام «قرنطینه» پیشنهاد داد که متأسفانه شرایط تولیدش فراهم نشد! و هیچ‌وقت به مرحله ساخت نرسید. اما شهیدثالث تصمیم گرفت ادامه فعالیتش را در بیرون کانون پرورش فکری انجام دهد. فیلم‌سازی بلند او در خارج از فضای کانون با فیلم «یک اتفاق ساده» شروع شد. به نظر من میان فیلم‌های «یک اتفاق ساده» و «در غربت» فاصله بسیاری است. نوع سینمای شهیدثالث به گونه‌ای بود که سکون زندگی را به درستی و زیبایی به تصویر می‌کشید». فروزش در بخش دیگری از اظهاراتش توضیح داد: «طبیعت بی‌جان» حقیقتا یکی از بهترین فیلم‌های ایرانی است که طرفداران بسیاری دارد و بسیاری را نیز جذب سینما کرد و راهگشای نگاه دیگری به سینمای ایران شد». او با اشاره به اینکه شهیدثالث اعتقادی به حضور بازیگر در فیلم‌هایش نداشت، تصریح کرد: «بازیگران فیلم‌های او افراد کوچه و بازار بودند و تنها در فیلم «در غربت» از بازیگر حرفه‌ای استفاده کرد». فروزش در پایان سخنش ضمن ابراز علاقه‌مندی خود به شهیدثالث درباره این فیلم‌ساز این‌طور اظهار نظر کرد: «شهیدثالث در عمر کوتاه هنری خود جریان‌ساز نبود، اما تأثیراتش را در سینما گذاشت. بعد از او، بسیاری از آثارش تقلید کردند. سهراب شهیدثالث جدا از هنرمندی بزرگ، انسانی مهربان و درعین‌حال عصبی از روزگار بود».

عکس: GettyImages

روزهای پایانی «کن» فرا رسید

# ... و دوباره «فرهادی»

**امیر گنجوی، خبرنگار «شرق»، «کن»:** به روزهای پایانی جشنواره «کن» نزدیک می‌شویم؛ روزهای خاص و سرنوشت‌ساز سینمای ایران. ساخته‌های نمایندگان مختلف سینمای ایران در بخش‌های نوعی نگاه، سینه‌فونداسیون و بخش مسابقه اصلی در حال نمایش است. اولین فیلمی که از ایران به نمایش درآمد «وارونگی» بهزادی در بخش نوعی نگاه بود. وارونگی داستان دختری مصمم و بااراده است که به مخالفت با فشارهای وارده از خانواده خود می‌پردازد و تصمیم می‌گیرد استقلال شخصی خود را حفظ کند. با وجود آنکه کاراکتر اصلی فیلم یک زن است، ولی به قول کارگردان این فیلم، درباره هر جنسیتی می‌تواند باشد و داستانی فقط مختص زنان نیست. فیلم فوق در سالن «دبوسی» و در سالنی تقریبا پر از تماشاگر پخش شد. تیری فرمو، دبیر جشنواره، با بیان این نکته که سینمای ایران از شکل سنتی خود فاصله گرفته و نسل جدیدی از سینماگران ایرانی شکل گرفته‌اند، کار بهزادی را معرفی کرد. خود بهزادی هم در ابتدای فیلم ضمن اشاره به مستقل‌بودن «وارونگی»، از تماشاگران خواست به سختی‌های کار او در تولید فیلم توجه داشته باشند. بعد از اکران، عوامل فیلم در سالن حاضر شدند و با توجه به کف‌زدن‌های انتهای فیلم می‌شد حدس زد از فیلم خوششان آمده. در روزهای اخیر سه فیلم از ایران در بخش‌های سینه‌فونداسیون و همچنین فیلم‌های کوتاه روی پرده رفت؛ هر چند با توجه به اینکه بعضی از این فیلم‌های کوتاه را سینماگران ایرانی در مدارس سینمایی خارج ایران ساخته‌اند، به‌عنوان نمایندگان ایرانی در وب‌سایت جشنواره معرفی نشده‌اند. همچنین شب گذشته فیلم «فروشنده» اصغر فرهادی ساعت هفت در سالن دبوسی پخش خواهد شد.

**دارندن‌ها، بدون خلاقیت**

برادران دارندن با فیلم آخر خود «دختر ناشناس» به جشنواره کن آمدند. دختر ناشناس ماجرای پزشکی است که بر اثر احساس گناه تصمیم می‌گیرد از ماجرای قتل دختری که به دفتر او آمده بود و او در را برایش باز نکرده، پرده بگشاید. فضای فیلم شباهت زیادی به کارهای قبلی داردن‌ها دارد و تقریبا اکثر بخش‌های آن قابل پیش‌بینی است. می‌توان گفت سینمای داردن‌ها به صورت ژانری مشخص در سینما در آمده و دیگر خلاقیت و نوآوری کارهای قبلی خود را ندارد. تنها نکته بامزه فیلم را می‌توان استفاده‌کردن داردن‌ها از یک پزشک به‌جای کارآگاه برای کشف ماجرای قتل فیلم دانست که فیلم را متفاوت از فیلم‌های پلیسی این ژانر کرده. هرچند به نظر پاره‌ای از منتقدان ایرانی حاضر در کن، این استفاده‌کردن سبب شده داستان فیلم باورنکردنی شود و نفهمیم چرا یک پزشک این‌چنین مصمم به دنبال کشف حقیقت است!

**پسرک جسور چه می‌گوید؟**

ژاویه دولان، پسرک جسور سینمای معاصر، با فیلم «تا آخر دنیا» که گرفته‌شده از تئاتری معروف است، در کن امسال شرکت کرده. پرویز جاهد معتقد است فیلم فوق‌تجربی‌ترین کار کن امسال است. درواقع دولان محتوا را تا حد زیادی در این فیلم قربانی فرم کرده. بخش اکثر فیلم از طرق کلوزآپ روایت می‌شود و دوربین کارگردان در بخش‌های زیادی به کاراکترها بسیار نزدیک است. بازی‌های فیلم حالت تئاترگونه و اغراق‌آمیز پیدا کرده و بیننده مدام با دریایی از صدا و تصاویر روبه‌روست. این تکنیک خاص موجب می‌شود گاه تفکرکردن درباره فیلم و داستان آن را مشکل کند. دوربین همواره از چهره‌ای به چهره دیگر می‌پرد و کنار آن در بخش‌هایی با تلفیق فیلم با مونتاژهای امتی‌وی‌گونه و با ریتم تند روبه‌روییم. عوامل فوق سبب شده در این کار جاه‌طلبی زیادی دیده شود و می‌توان گفت درنهایت خود دولان و کارش قربانی این جاه‌طلبی زیاد شده! با همه این حرف‌ها، دولان با این کار بازهم ثابت کرد جوان فوق‌العاده بااستعدادی است و باید منتظر کارهای بسیار خوب از او در آینده سینما بود.

**باز هوکردن**

فقط ژاویه دولان نبود که با تصاویر سینمایی خود، ما را در کن شوک‌زده کرد. شوک اصلی کن را شب گذشته «نیکلاس ویندینگ رفن» با فیلم «نیون دمون» وارد کرد. فیلم، نگاه کاملا زمینی و غیرقدسی‌گونه به زیبایی انسانی دارد و زیبایی را ارزشی می‌بیند که انسان‌ها برای به دست‌آوردن آن با هم می‌جنگند و وارد رقابت‌های مرگ‌بار می‌شوند. نگاه کاملا زمینی کارگردان به زیبایی، مورد استقبال بخشی از تماشاگران قرار نگرفت و بعد از فیلم اوساياس این دومین فیلمی بود که با هوکردن‌های مداوم روبه‌رو شد. دلیل بخشی از هوکردن‌ها را می‌توان به آوانگاردبودن فیلم هم نسبت داد که در بخش‌هایی کارهای سوررئال کارگردان‌هایی مانند دیوید لینچ و دیوید کرانبرگ را به یاد می‌آورد.

**شاه‌ماهی جشنواره**

شاه‌ماهی روزهای پایانی را فیلم «فارغ‌التحصیل» کریستین مونجو می‌توان دانست. لقب شاه‌ماهی برازنده این فیلم است؛ از آنجا که تم اصلی جشنواره کن امسال را می‌توان ارتباط خانواده و جامعه دانست، درواقع بخش زیادی از فیلم‌های فوق از تداخل ارزش‌های خانواده و جامعه سخن می‌گویند و اینکه به چه دلایلی اعضای خانواده مجبور به کارهایی می‌شوند که در تقابل با خواسته‌های جامعه اطراف آنهاست. تم فوق که یادآور تراژدی آنتیگونه است در فیلم فارغ‌التحصیل به‌خوبی به نمایش درآمده. فیلم، درباره پدری است که به دنبال یک اتفاق پیش‌بینی‌نشده مجبور است به دختر خود چیزهایی بیاموزد که با همه پندارهای اخلاقی‌ای که تاکنون به او آموخته، متفاوت است. برای رسیدن به هدف، پدر هر وسیله‌ای را جایز می‌بیند و امیدوار است با تکیه بر وسایل فوق، سبب‌ساز سعادت دختر و مهاجرت او به لندن شود.

•••

شب گذشته فیلم اصغر فرهادی برای اولین بار در کن به نمایش در آمد. امیدها به این فیلم زیاد است و با توجه به پختگی فرهادی در تألیف داستان‌هایی با تم شخصی و خانوادگی، امید است فیلم فرهادی نماینده‌ای قوی و مؤثر از طرف ایران برای کن باشد.

ضرباهنگ

## جهانبخش آلبوم جدیدش را زنده خواند

**شرق:** بابک جهانبخش قطعه‌های آلبوم جدیدش را اجرا کرد. به گزارش «تسنیم»، جدیدترین کنسرت بابک جهانبخش ۲۹ و ۳۰ اردیبهشت در سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی برگزار شد و این خواننده قطعه‌های هشتمین آلبومش را با نام «حالم خوبه» به صورت زنده برای هوادارانش خواند. کنسرت با حدود یک ساعت تأخیر آغاز شد و در چند قطعه آغازینِ برنامه، صدای سالن کیفیت خوبی نداشت؛ تا جایی که خودِ جهانبخش صدایش درآمد و گفت: هرچه به اتاق فرمان اشاره می‌کنم که صدا را درست کنند فایده‌ای ندارد. البته بعد از این تذکرِ جهانبخش، ایرادهای فنی برطرف و صدای سالن بهتر شد. جهانبخش در این کنسرت تقریبا تمام قطعه‌های آلبوم جدیدش را خواند. حالم خوبه، چه خوب، پاییز، خودش می‌دونه دل دیونه، می‌ترسم از این حالت چشمات، بگم دوستت دارم، تو چشمای منی، ساده بود برات، مثل همه، نمی‌خواستم مثل اشکاش یه روز از چشاش بیافتم، چی شد اون همه احساس، شاید، مدار بی‌قراری، اکسیژن، اینا یعنی عشق، من و بارون، چی شده، دوست دارم، برف و منو نگاه کن، قطعه‌هایی بود که جهانبخش در اجرایش خواند. در این میان بیشترین تقاضا از سوی هواداران، برای خواندن قطعه «شاید» بود.

چهره روز

## تقدیر مشهدی‌ها از کیانیان

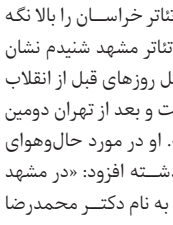

• **شرق:** رضا کیانیان در سرزمین مادری‌اش مورد تقدیر قرار گرفت. او در مراسم اردیبهشت تئاتر از خاطرات روزهایی که دوست داشته وارد تئاتر شود گفت و تأکید کرد همچون روزهای قبل از انقلاب پرچم تئاتر مشهد بالاست. رضا کیانیان، بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون، در آیین اردیبهشت تئاتر خراسان‌رضوی در محل سالن اصلی تئاترشهر مشهد گفت: «حدود ۵۰ سال پیش پسری در مشهد وقتی سوم دبیرستان بود، به دلیل آنکه به بازیگری علاقه داشت از برادرش خواهش کرد تا او را به گروهش ببرد، اما برادر قبول نکرد تا نگویند پارتی‌بازی کرده است. آن پسر سال‌ها تلاش کرد و همه کار کرد اما به صحنه راهش ندادند و بعد از سال‌ها برادرش به او گفت بیا و بازی کن و نقش من این بود که به صحنه بیایم، به امامزاده سلام بدهم و از صحنه خارج شوم، اما برای همان نقش تلاش کردم که البته در همان شب اول توقیف شد». کیانیان در مرور خاطرات خود عنوان کرد: «از همان اول به همه می‌گفتم که خودم را ثابت خواهم کرد و رفته‌رفته کارم در تئاتر و نیز نقشم بیشتر شد. ما در تئاتر زحمت کشیدیم و امشب چندبار در این سالن بغض کردم چون فکر نمی‌کردم که یک روز در مشهد همه هنرمندان دور هم جمع شوند و مردم و مسئولان بیایند و برای من بزرگداشت بگیرند. من این جایزه و بزرگداشت را تقدیم می‌کنم به تمام هنرمندان تئاتر مشهد که پرچم تئاتر خراسان را بالا نگه داشته‌اند. آماری که از تئاتر مشهد شنیدم نشان می‌دهد که همچنان مثل روزهای قبل از انقلاب پرچم تئاتر مشهد بالاست و بعد از تهران دومین قطب تئاتر ایران است». او در مورد حال‌وهوای تئاتر مشهد در سالیان گذشته افزود: «در مشهد شخصیتی وجود دارد به نام دکتر محمدرضا لطفی که در زمان آغاز به کار ما در تئاتر، مسئول تئاتر خراسان شد. او فرشته بود و به معنی واقعی کلمه مسئول بود و مسئول کسی است که بداند وقتی مسئول می‌شود از صدقه‌سر هنرمندان است. مثلا وزیر ارشاد برای آن وزیر ارشاد می‌شود که از هنرمندان حمایت کند نه‌اینکه برای آنان فخر بفروشد».

بازتاب

واکنش به خبر

«خانه چهل گره، فینالیست جایزه آقاخان ۲۰۱۶»

## نقش مؤلف

• برای ایجاد یک اثر معماری دو راه وجود دارد. راه اول استفاده از روش‌های معمول، راه‌حل‌های حاضر، آماده و تجربه‌شده است که منجر به تولید ساختمان‌های متعارف می‌شوند و راه دیگر قدم‌گذاشتن در مسیرهای ناشناخته و مواجهه با مسائلی است که راه‌حل موجود ندارند و نیازمند ابداع هستند و اغلب به خلق آثار برجسته معماری می‌انجامند. در هر جامعه‌ای عده محدودی از معماران با قدم‌گذاشتن در مسیر دوم، تحمل زحمت بیشتر و فداکردن منافع مادی خود را وقف اهداف معنوی و پیشبرد فرهنگ معماری می‌کنند و به همین علت است که حقوق مؤلف در آثار هنری، ادبی و ابداعات علمی بسیار مهم است. حق تألیف اثر تنها وسیله شناسایی ارزش کارهای خلاقه بوده و رعایت آن در تمام دنیا یکی از اصول ابتدایی و پذیرفته‌شده در هر حرفه‌ای است. امسال سه پروژه از ایران، فینالیست جایزه بین‌المللی معتبری چون جایزه آقاخان شده‌اند و برای من مایه افتخار است که خانه چهل گره نیز در این فهرست قرار دارد. خانه چهل گره، ساختمان مسکونی نسبتا کوچکی در یکی از محلات متوسط تهران است که برای پرورش ایده و طراحی آن زمان و زحمتی به‌مراتب بیشتر از طراحی یک ساختمان لوکس معمول در شمال شهر صرف شده است. این پروژه از سال ۹۳ تاکنون برنده جوایز داخلی نظیر جایزه معمار و منتخب جوایز بین‌المللی نظیر جایزه جهانی آجر بوده و از همان تاریخ با پوشش خبری گسترده مجلات و سایت‌های خارجی و داخلی در تمام موارد با نام مؤلفان اثر، حبیبه مجدآبادی و علیرضا مشهدی‌میرزا منتشر شده است. پس از توفیق این پروژه به‌عنوان منتخب جایزه آقاخان، خبری در روزنامه «شرق» مورخ شنبه ۲۵ اردیبهشت به چاپ رسید که پروژه چهل گره را صرفا به یک نفر منتسب می‌کند. آنچه مسلم است در مورد آثار مشترک نظیر خانه چهل گره، عدم رعایت حقوق مؤلفان، اقدام یکی از طرفین در جهت منحرف‌کردن اذهان عمومی و سعی در حذف نام یکی از مؤلفان به‌ویژه زمانی که پروژه موفقیتی کسب می‌کند، به دور از اخلاق حرفه‌ای است. از این رو از روزنامه «شرق» انتظار می‌رود با نگاهی به اخبار موثق جایزه در منابع داخلی و خارجی، خبر منتشرشده در روز شنبه را اصلاح کرده و با پیگیری دلایل این تخلف از تکرار چنین اشتباهاتی در آینده جلوگیری کند.

**حبیبه مجدآبادی**